

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ فلسفه

فصلنامه علمی پژوهشی انجمن علمی تاریخ فلسفه

سال چهارم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۳ [پیاپی ۱۶]

صاحب امتیاز: انجمن علمی تاریخ فلسفه
مدیر مسئول: سیدمحمد خامنه‌ای
مدیر اجرایی: مهدی سلطانی
مترجم انگلیسی: دکتر رؤیا خوبی
ناشر: بنیاد حکمت اسلامی صدرا
سر دبیر: حسین کلباسی اشتری
ویراستار فارسی: فاطمه محمد
ویراستار انگلیسی: دکتر علی نقی باقرشاهی
اعضای هیئت تحریریه:

حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
عبدالرزاق حسامی‌فر، دانشیار فلسفه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
نصرالله حکمت، استاد فلسفه دانشگاه شهید بهشتی
رضا داوری اردکانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران
محمدتقی راشد محصل، استاد فرهنگ و زبانهای باستانی دانشگاه تهران
احد فرامرز قراملکی، استاد فلسفه دانشگاه تهران
حسین کلباسی اشتری، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
سیدمصطفی محقق داماد، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی
فتح‌الله مجتبابی، استاد ادیان و عرفان دانشگاه تهران
کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلای بزرگ تهران، مجتمع امام خمینی(ره)، ساختمان شماره ۱۲.

صندوق پستی: ۶۹۱۹ - ۱۵۸۷۵ تلفن: پیگیری مقالات: ۸۱۵۳۳۲۱ اشتراک و فروش: ۸۱۵۳۵۹۴

مرکز تدوین: ۸۱۵۳۳۹۴ نمابر: ۸۴۹۳۸۰۳

www..mullasadra.org Email: siprin@mullasadra.org

شاپا: ۲۰۰۸-۹۵۸۹

بر اساس ابلاغیه شماره ۳۸۱۷۴۳ مورخ ۹۲/۴/۱۹ کمیسیون نشریات علمی کشور، فصلنامه تاریخ فلسفه دارای درجه علمی پژوهشی است. این فصلنامه در پایگاه‌های Philosopher's Index و ISC نمایه میشود.

راهنمای تدوین مقاله

- فصلنامه تاریخ فلسفه نخستین نشریه تاریخ فلسفه در ایران است و مقالاتی را منتشر خواهد کرد:
۱. به روش پژوهشی اصیل و بنیادی تألیف شده باشد و حاوی نظریه، نگرش انتقادی، تحلیل تطبیقی یا برداشتی نوین باشد.
 ۲. مقالات باید در حوزه تاریخ فلسفه و علوم عقلی، مطالعات تطبیقی، ریشه‌شناسی مکاتب و آراء فلسفی، یا سایر موضوعات تخصصی تاریخ فلسفه باشد.
 ۳. فصلنامه تاریخ فلسفه از مقالات برگرفته از آثار پژوهشی و پایان‌نامه‌های تحصیلی، با رعایت شواهد و قواعد، استقبال مینماید.
 ۴. مطالب منتشر شده در فصلنامه تاریخ فلسفه بیانگر نظر و عقیده نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه مجله نیست.
 ۵. مقالات برگردان از زبانهای خارجی یا مقالاتی که در جایی دیگر منتشر شده باشند، یا همزمان به نشریه دیگری ارائه شده باشند، بطور کلی مورد بررسی قرار نخواهند گرفت.
 ۶. هیئت تحریریه فصلنامه در پذیرش، اصلاح و ویرایش مقالات آزاد است. همچنین ارسال مقاله به این مجله بمنزله واگذاری حق تجدید چاپ مقالات منتشر شده به مجله نیز هست و مجله حق دارد چنانچه لازم باشد نسبت به تجدید چاپ این مقالات بزبان فارسی یا هر زبان دیگری اقدام نماید.
 ۷. نویسندگان محترم باید مقالات خود را به آدرس الکترونیکی siprin@mullasadra.org ارسال نمایند یا CD قابل مقاله را بهمراه پرینت مقاله ارائه دهند. لازم است همراه مقاله، نامه‌ی مبنی بر درخواست بررسی و انتشار مقاله که حاوی اطلاعات دقیق: رتبه علمی، محل فعالیت، نشانیهای تماس (آدرس، تلفن، تلفن همراه، نمابر، ایمیل) و مختصری از سابقه فعالیت پژوهشی مؤلف ارائه شود.
 ۸. مقالاتی که به آدرس الکترونیک مجله ارسال میشوند، در بخش subject ایمیل «مربوط به مجله تاریخ فلسفه» ذکر گردد.
 ۹. تمامی مقالات باید دارای عنوان، چکیده و واژگان کلیدی (به دو زبان فارسی و انگلیسی)، فصلبندی مناسب، نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشد.
 ۱۰. حجم چکیده مقالات حداکثر ۱۵۰ کلمه و اصل مقالات حداکثر ۶۰۰۰ کلمه و در محیط word تایپ شده باشد.
 ۱۱. مقالات دریافتی بهیچوجه مسترد نخواهد شد.
 ۱۲. فرایند ارزیابی مقالات دریافتی بشرح ذیل خواهد بود:
ویراستار علمی ← ۲ نفر از اساتید متخصص درباره موضوع مقاله ← هیئت تحریریه ← سردبیر.
بدیهی است مقالاتی که در هریک از مراحل فوق بتأیید نرسد، با ملاحظه سردبیر، از دستور کار خارج خواهد شد.
 ۱۳. پیگیری نظر مجله درباره مقالات بر عهده مؤلف است.

شیوه ارجاع دهی و ارائه مباحث فرعی تکمیلی:

- هرگونه مطلب توضیحی و تکمیلی که ارتباط مستقیم با محور مقاله نداشته باشد، باید بصورت پی‌نوشت ارائه شود.
- ارجاعات در فصلنامه تاریخ فلسفه باید بصورت پی‌نوشت با ذکر «نام مؤلف، نام منبع مورد استفاده، شماره صفحه» ارائه شود.
- ذکر مشخصات کامل کتابشناسی منابع، در فهرست منابع ضروری است.
- منابع غیر فارسی بهمان زبان اصلی باید ارائه شوند.



سخن سردبیر ۵

تحلیل، نقد و بررسی آراء ناظر به «اسلامیت» فلسفه اسلامی

منصور ایمانپور ۹

عشق طریقی بسوی کمال انسانی (مقایسه‌ی بین نگاه ابن‌سینا و ملاصدرا)

فاطمه سلیمانی ۳۵

خداوند از منظر الهیات پویشی و ملاصدرا

حامد ناجی اصفهانی ۵۹

نگاه اصالت‌ماهوی و مسئله شناخت با تکیه بر فلسفه ملاصدرا و هایدگر

مرتضی حاج‌حسینی، محمدجواد صافیان و محمدرضا بلائیان ۷۹

نظریه فرایند و ساختار شناخت دکارت در بررسی و نقد استاد مصباح

عبدالحسین خسروپناه و حسام‌الدین مؤمنی ۱۰۳

مؤلفه‌های میان‌رشته‌ی مرکز تدوین تاریخ جامع حکمت و فلسفه

رضا ماحوزی و مریم سلیمانی‌فرد ۱۲۱

وحدت یا کثرت نوع انسانی نزد ابن‌سینا، شیخ‌اشراق و ملاصدرا

عبداله صلواتی ۱۴۳



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان همایش اول خرداد ماه سال جاری، «فلسفه و صلح جهانی» است. با ملاحظه این عنوان، نخستین پرسشی که به ذهن می‌آید آن است که فلسفه و فیلسوفان چه نقشی میتوانند در صلح بین‌الملل داشته باشند و اساساً امروزه میتوان در این مقوله از فلسفه مدد گرفت یا خیر؟ اما مقدم بر این پرسش، میتوان پرسید که چرا آدمی همواره و در همه جا دغدغه صلح داشته و دارد؟ ضرورت صلح میان ملتها از چه زمانی شکل گرفته و چرا تدابیر متفکران و سیاستمداران و نظریه‌پردازان در این زمینه نتیجه نداده است؟ چرا انبوهی از سازمانها و نهادها و انجمنهای کوچک و بزرگ در سراسر جهان که برای برقراری صلح میان ملتها و نگاهبانی از آن پدید آمده‌اند، در کار خود توفیقی نداشته‌اند و اگر هم داشته‌اند، موقتی و ناپایدار و شکننده بوده است؟ صلح با امنیت چه نسبتی دارد و چرا در سطح جهانی، شورای امنیت سازمان ملل متحد را «شورای صلح» نامیده‌اند؟ مگر امنیت منهای صلح میتواند محقق شود؟

حدود هفتاد سال پیش، زمانی که آتش جنگ جهانی دوم خاموش شد و ساکنان ربع مسکون زمین، شاهد میلیونها تن کشته و زخمی و خسارت و انبوه خاکستر برجای مانده از آن جنگ فراگیر شدند، از خود پرسیدند آیا میتوان در آینده به صلح میان ملتها - و در واقع دولتها - امیدوار بود؟ (زیرا ملتها نوعاً به جان هم در نمی‌افتند و اگر هم درافتند، هزینه منازعه دولتها را میپردازند) و آیا جهان آخرین جنگ فراگیر را به خود میبیند؟ امروزه در هر گوشه‌یی از عالم که جنگی در میگیرد،



همگان - بویژه آنان که به طمع سیری ناپذیر قدرتهای نظامی و سیاسی عالم وقوف دارند - نگران شعله‌ور شدن جنگی دیگر در سطح جهان میشوند و از خود میپرسند: از اینهمه نشست و برخاست دولتمردان و سیاستمداران و اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های رنگارنگ سازمانهای بین‌المللی چه سودی عاید ملتها شده است و آیا نه چنین است که واژگان مقدسی چون صلح و شرافت و انسانیت و امنیت، بازیچه دست قدرتهای جهانی و پوششی برای مطامع آنها گردیده است؟ و آیا نه چنین است که هیچیک از اقدامات باصطلاح صلح‌جویانه آنان - با فرض وجود اندکی انگیزه انسانی - بلااثر بوده و شده و شاهد آن، ناتوانی هفتاد سالهٔ مجامع جهانی در مهار جنگ افروزی و فتنه‌انگیزی رژیم پلید اسراییل در سطح منطقه و عرصه جهانی است؟

حکایت صلح جهانی و نسخه‌هایی که برای آن پیچیده شده است، سابقه‌یی بیش از هفتاد سال دارد. دویست و اندی سال پیش و در اواخر قرن هیجدهم، وقتی کانت رساله درباره صلح پایدار، یک طرح فلسفی را مینوشت، از یکسو شاهد پیروزی انقلابیون فرانسه و شکل‌گیری امیدهایی برای آینده جهان بود و از سوی دیگر، شاهد طمع فرانسه نسبت به سرزمینهای پروس و بروز منازعات میان قدرتهای وقت. فیلسوف کدنی‌کسبرگ در اندیشهٔ طرحی عقلانی برای صلح جهانی و الزام دولتها به عمل بر طبق قانون عقل و حقوق انسانی بود و مهمتر از همه متضمن نوعی خوش‌بینی به آینده در جهت تحقق آرمانهای تجدد. پس از کانت نیز فیلسوفان و جامعه‌شناسان و متألهان دینی در باب صلح و امکان و ضرورت آن تأمل کرده و رساله‌هایی را نوشتند و امروزه نیز دهها و بلکه صدها نشست و گردهمایی در اینسو و آنسوی عالم درباره صلح برگزار میشود، ولی همچنان آتش جنگ و ستیز میان ملتها روشن است. علت چیست؟ و چگونه میتوان بر علل و اسباب بروز منازعات بین‌الملل فائق آمد؟ شاید یکبار دیگر لازم است در معنای حقیقی صلح و مقومات آن تأمل و توقف کرد تا بلکه نوری بر تاریکی اذهان و افهام تابیده شود و از آنجا راهی به مقصد گشوده گردد. از قضا در سنت و حیانی ما، یعنی در قرآن کریم، واژه «صلح» و



مشتقات آن نظیر «صالح» و «مصلح» و «اصلاح» بگرات بکار رفته و در مجموع حدود یکصد و پنجاه بار مشتقات این واژه استعمال شده است. در مفردات راغب اصفهانی آمده است که «صلح» در موارد متعددی بمعنای از میان رفتن نفرت و عداوت از میان مردم میباشد و دعوت خداوند به این معنا بارها تکرار شده است. تأکید قرآن کریم به «عمل صالح» در معنای عام آن، تأکید به دوری از زشتیها و پلیدیهاست و اهمیت این معنا چنان است که پس از ایمان به خداوند، عمل صالح، محوریت میباشد. از دستورات اخلاقی مؤکد در اسلام، «اصلاح ذات البین» است؛ یعنی تلاش برای رفع کدورتها و نزدیکی قلوب به یکدیگر و ایجاد آرامش و امنیت میان انبیا بشر. این رهیافت قرآنی و دینی میتواند برای کسانی که در جستجوی راه استقرار صلح جهانی هستند، روشنی لازم را فراهم کند. واقعیت این است که رنج اصلی بشر، همانا دور افتادن از فطرت عقل و غفلت از ناموس و قانون تکوین است.

وقتی در فلسفه سخن از آن است که مبدأ اعلای عالم - یعنی ذات واجب - هم علت ایجاد است و هم علت بقا؛ یعنی همانگونه که خداوند دست به ایجاد عالم و آدم زده است، همو سازوکار گردش هستی و بقا و استمرار آن را نیز تضمین خواهد کرد، قانون عالم و ناموس کیهان در کلام وحی و شریعت الهی تجلی یافته و از اینرو نظام تشریح منطبق بر نظام تکوین و صورت لفظی و عملی آن است.

راه کشف این معنا نیز پیش‌بینی شده است: انبیا و اوصیای الهی (ع) بمتابجهجتهای ظاهر و عقل و فطرت انسانی بمتابجهججت باطن. کلی از شئون نظام احسن آن است که این دو حجت، کاشف و مؤید یکدیگرند و حکم عقل و حکم شرع نافی و ناقض یکدیگر نیستند. برای بشر تنها راه نجات، تمسک به قانون الهی است که همان قانون وجود است و از قضا، بروز و ظهور آلام و شرور و ناکامیها، با غفلت از همین قانون و ادبار نسبت به حقیقت هستی، آغاز میشود. صلح جهانی، بمعنای برقراری مهر و عطوفت میان انسانها، تنها از معبر یادآوری و تذکر به قانون سرمدی الهی میسر است، وگرنه بشر هزاران سال نتایج قواعد و قوانین ساختگی و ناپایدار

۷



خویش را دیده و چشیده است. دلیل عدم کفایت برخی نظامهای برآمده از عقل جزوی بشری نیز همین است که خود را از ساحت عقل کل و نفس عالم محروم ساخته است:

این جهان یک فکرتست از عقل کل عقل چون شاهست و صورتهای رُسل حکما و فیلسوفان، کاشفان اصلی این معانید، زیرا آنان به حکم و اقتضای عقل می‌اندیشند و سخن می‌گویند و از نور و دلالت آن بهره می‌جویند. از اینرو فلسفه‌یی که دعوت به عدول از قانون ازلی و ناموس ابدی میکند، تنها نام فلسفه را بر خود دارد و از معنا و محتوا خالی است. امروزه، فیلسوفان بمدد التزام به حجت باطن و انکشاف حقایق منتشر در پهنه وجود، میتوانند منطق راستین انسانی زیستن را یادآور شوند و مخاطبان خویش را به موطن اصلی خود که وجود بحت و بسیط عاری از کثرت و انانیت است، ملتفت سازند

سردبیر

between this type of plurality and the specific plurality of human beings before Mulla Sadra, the writer has referred to the former as human life-specific model.

Key Terms

specific plurality of man
univocal specific unity
graded specific unity
Ibn Sina

Suhrawardi
Mulla Sadra
human life-specific types

Specific Unity or Plurality of Man in Ibn Sina, Suhrawardi, and Mulla Sadra

*'Abdullah Salavati**

The specific unity or plurality of man is one of the problems that has often remained a marginal one and taken for granted as a presupposition in traditional philosophy. In the past, most Muslim philosophers defended the specific unity of man. However, the opponents of this idea posed the specific plurality of man using a demonstrative method. Of course, in the works of some of the advocates of the specific unity of man, such as Ibn Sina, there are some pieces of evidence attesting to this theory. This paper discusses and examines the curve of the evolution of the specific plurality and inequality of man with reference to some prominent and influential thinkers such as Ibn Sina, Suhrawardi, and Mulla Sadra. This curve has undergone some fluctuations in the philosophical and *kalamī* schools of the world of Islam. Nevertheless, the process of its development entails the following theories: specific plurality of man at the level of evidence by Ibn Sina, graded specific unity (unequal equal human beings) by Suhrawardi, and three models of purely ontological and graded specific unity, the quiddative graded specific unity seeking ontological graded specific unity, and quiddative graded specific plurality seeking ontological graded specific unity by Mulla Sadra. It is noted that each of the three-fold Sadrian models exists in two apriori and aposteriori forms. The Sadrian specific plurality, because of its relying on solid supporting principles, having a variety of models, and entailing apriori and aposteriori forms of specific plurality, created a transformed atmosphere of inequality of human beings. In order to demonstrate the substantial difference

14

* Assistant Professor, Theology Department, Shahid Raja'i Teacher Training University: slavati2010@gmail.com

Finally, based on the nature of this approach and the scientific expectations it arouses, the writers make some recommendations to the researchers and professors involved in this huge project.

Key Terms

Center for Compiling a Comprehensive History of Wisdom and Philosophy
history of philosophy
interdisciplinary
discipline

Interdisciplinary Components of the Center for Compiling a Comprehensive History of Wisdom and Philosophy:

Introducing a New method for Compiling the History of Philosophy and Reviewing the Present Method of Historiography in Iran

Reza Mahoozi¹ and Maryam Soleimani Fard²

The Center for Compiling a Comprehensive History of Philosophy, affiliated with the Sadra Islamic Philosophy Research Institute and the Scientific Society of the History of Philosophy has brought a great number of researchers together since 2005 in order to compile a comprehensive history of wisdom and philosophy in Iran and in the world in the light of cultural and social events and incidents. The general policy dominating the process of compiling the history of philosophy here dictates a collaborative and cooperative activity in which a number of professors and authorities in the fields of archaeology, linguistics, history, art, gnosis, religion, and philosophy are participating. The present paper firstly analyzes the rules and principles governing the interdisciplinary approach in the field of science and highlights its differences from the disciplinary approach. Then, based on the documents published by this Center, it presents a picture of researchers' group work in conformity with the norms of the interdisciplinary approach and portrays and judges their present and future activities.

12

-
1. Assistant Professor of Institute for Social and Cultural Studies:
mahoozi.reza@gmail.com
 2. MA in History of the Culture and Civilization of Islamic Nations:
Msfard2006@yahoo.com

Misbah's Critical Study and Critique of Descartes' Theory of the Process and Structure of Knowledge

'Abdulhossein Khosropanah¹ and Hesam al-Din Mo'meni²

Whenever reference is made to the process and structure of gaining knowledge, one may argue that the possibility of gaining it is rooted in one's destiny. In fact, if someone absolutely doubts or has some suspicions concerning the possibility of gaining knowledge, he can never portray its process and structure. Given the fact that Descartes accepts the possibility of knowledge, the question is which strategies, processes, and stages he proposes for a knower to gain knowledge. Here, he appeals to intuition and inference and asks God not to deceive him. In his study and critique of Descartes' theory of the process of knowledge, Misbah maintains that it is wrong to assume that the existence of nothing is as clear and certain as the existence of doubt, and even the existence of the skeptic has to be proved through the existence of doubt. He also rejects the innate ideas intended by Descartes. In this paper, the writers have explained Descartes' theory of the process and structure of knowledge and reviewed it critically from Misbah's point of view.

Key Terms

Misbah
process and structure

Descartes
study and critique

11

-
1. President of the Iranian Research Institute of Philosophy.
 2. MA in Islamic philosophy and *kalam*, Qum University (corresponding author), hesamodin.momeni@gmail.com



Essentialism and the Issue of Knowledge in Mulla Sadra and Heidegger

Murteza Haj Hosseini¹, Mohammad Javad Safian,² Mohammad Reza Balanian³

The propositional language of Aristotelian logic concerning the existents of the world is based on his 10 categories. The habit of employing this language in everyday life and in the field of philosophy has resulted in the emergence of certain difficulties regarding some philosophical problems. From among them, we can refer to the problems related to essence or quiddity and the quality of acquiring the knowledge of existents in the outside world. The purpose of the present paper is to reveal the quality of the effect of this kind of language and, following it, essentialism in the realm of epistemology with special reference to two philosophers of existence in the East and West, Mulla Sadra and Martin Heidegger, respectively, concerning the terms “essence” and “quiddity”. Here, the writers conclude that, based on Heidegger’s philosophy and Mulla Sadra’s Transcendent Philosophy, particularly as reflected in the words of some of the commentators of the second school, the logic of essentialism and its tools are not capable of solving the problem of the conformity of mental forms with external realities and providing a justifiable criterion for defending this conformity.

Key Terms

essence
existence
presence

quiddity
knowledge

10

1. Associate Professor, Philosophy Department, Isfahan University: mtzh hosseini2006@yahoo.com
2. Assistant Professor, Philosophy Department, Tehran University: Javadsafian777@gmail.com
3. PhD candidate, Philosophy Department, Isfahan University: (corresponding author), balanian@yazd.ac.ir

can be practically explored based on the development of his philosophical thoughts. This new approach to the concept of existence affected most theological concepts in the field of religion and prompted him to provide a new version of theology. The writer believes that, unlike Mulla Sadra's system of individual unity, which is in the process of change, his gradational system is a relatively complete one. It is noteworthy that there is a relative conformity between the fundamental principles of the graded unity of existence and those of the Christian process theology. Of course, as explained in the paper, the Sadrian school is much more efficient and accurate than process theology in understanding religious and comparative teachings. Therefore, in addition to posing the discussion of process theology and its new achievements concerning religious concepts, the present paper compares this school with Mulla Sadra's system of gradational wisdom and explores its strengths and weaknesses.

Key Terms

God
existence
pre-eternity
evil
development

world of being
gradation of existence
individual unity
change

God in Process Theology and Mulla Sadra

*Hamed Naji Isfahani**

This paper presents a comparative study of two philosophical trends. Therefore, it has been organized in two parts: process theology and Sadrian Transcendent Philosophy. Process theology appeared in the 20th century as one of the developmental thought processes followed by philosophers in the field of religion. Given all the arguments and conflicts existing in the Middle Ages and Modernity's atheism, its followers sought to present a new version of theology in which various notions such as God, His pre-eternity, His Power, the existence of evil in the world, the relationship between God and the world of being, and the relationship between the changing world and God are revisited. This new school, which was established by Alfred North Whitehead and expanded by Charles Hartshorne and David Ray Griffin, is presently studied in western academic centers as one of the prevalent theological and religious schools. In general, this school has made two contributions to the field of philosophy: 1) presenting a new version of theology, the conformity of which with holy texts is questionable; 2) presenting a new form of ontology and the quality of God's relationship with the world.

The Transcendent Philosophy was initially founded by Mulla Sadra and developed at three stages: the Avicennan stage of the understanding of existence, gradation of existence, and the individual unity of existence. Although Mulla Sadra has not distinguished these three stages from each other in his magnum opus, *al-Asfar*, the evolution of his ideas in his various treatises attest to this developmental process. Through discovering the principiality of existence, he proceeded to generalize his understanding of existence from the level of concept to the level of referent. Finally, he presented a new model of God's relationship with the world of being, which

8

* Assistant Professor, Department of Western Philosophy, Isfahan University:
hamed.naji@gmail.com

Love as a Path towards Human Perfection

(A Comparison of the Ideas of Ibn Sina and Mulla Sadra)

*Fateme Soleimani**

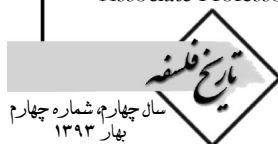
Islamic philosophers, such as Ibn Sina, have divided human love into true and virtual types. True love is the same extreme enthusiasm and passion for divine essence and attributes, and virtual love itself is divided into soulish love and animal love. The origin of soulish love is the substantial participation and commensurability of the souls of the lover and the beloved. However, the origin of animal love is physical desire and seeking animal pleasure. Ibn Sina believes that virtual love is one of the elements of the “purification of the inner self”, which is one of the goals of ascetic practice and a way for attaining perfection. Mulla Sadra also maintains that in soulish virtual love, the unity of the lover’s soul with that of the beloved through preference and representing the external beauty of the beloved leads to the lovers’ purification of the soul, so that he becomes ready for accepting the station of being annihilated in God. Accordingly, he says that virtual love is a bridge for attaining true love and, ultimately, human perfection.

7 Key Terms

love
true love
self-purification
preference
Mulla Sadra

human perfection
virtual love
unity
Ibn Sina

* Associate Professor, Imam Sadiq (a) University: fateme_soleimani@yahoo.com



The present paper, after explaining and analyzing the above views, concludes that Islamic philosophy is the birth child of the living interaction between Greek and Iranian philosophy and thought and Islamic culture and civilization. Through adhering to philosophical subjects, frameworks, and methods, this school is influenced by Islamic worldview and teachings in many respects. In fact, any kind of limitation in this regard and concentration on certain directions will inevitably lead to the fallacy of essence and aspect.

Key Terms

Islamic philosophy
rational sciences

religion and philosophy
Islam

A Critical Study of the Ideas concerning the Islamicity of Islamic Philosophy

*Mansur Imanpour**

Today, one of the questions raised regarding Islamic philosophy is what is meant by Islamic philosophy and why this philosophy is described by the attribute “Islamic”. Several contradictory ideas have been put forward in response to this question. Some believe that this philosophy is basically the same Greek philosophy, and it is unjustified to add to it the adjectives of “Arabic” and “Islamic”. Some others have reduced it to Islamic theology and *kalam* because of its supporting Islamic beliefs; nevertheless, there are many thinkers and researchers who believe in the truth and realization of this philosophy and its Islamic nature. These researchers are divided into two major groups: one group maintain that the title of “Islamic” has only a formal sense and argue that this school is called “Islamic philosophy” because it grew and was expanded in Islamic countries by Muslim philosophers and under the rule of Islamic governments. The other group, however, believe that this denomination is due to the nature and content of this philosophy and have provided different ideas in this regard. Some of the great figures of this group believe that, the reason for this denomination is that some of the issues and problems of this school are rooted in Islamic teachings, and some others are at the service of demonstrating these teachings. Some other thinkers also view the well-documented belief of the advocates of this philosophy in the existence of Almighty Necessary and *Shar'i* and divine oneness as the main reason for calling it Islamic (in its general sense) philosophy. There are still others who introduce this philosophy as the same prophetic philosophy derived from the Book and *Sunnah*.

5

* Associate Professor, Islamic Philosophy and Wisdom Department, Shahid Madani University of Azerbaijan: man3ima@yahoo.com

Content

A Critical Study of the Ideas concerning the Islamicity of Islamic Philosophy

Mansur Imanpour..... 5

Love as a Path towards Human Perfection (A Comparison of the Ideas of Ibn Sina and Mulla Sadra)

Fateme Soleimani..... 7

God in Process Theology and Mulla Sadra

Hamed Naji Isfahani 8

Essentialism and the Issue of Knowledge in Mulla Sadra and Heidegger

Murteza Haj Hosseini, Mohammad Javad Safian, Mohammad Reza Balanian 10

Misbah's Critical Study and Critique of Descartes' Theory of the Process and Structure of Knowledge

'Abdulhossein Khosropanah and Hesam al-Din Mo'meni..... 11

Interdisciplinary Components of the Center for Compiling a Comprehensive History of Wisdom and Philosophy: Introducing a New Method for Compiling the History of Philosophy and Reviewing the Present Method of Historiography in Iran

Reza Mabuzi and Maryam Soleimani Fard 12

Specific Unity or Plurality of Man in Ibn Sina, Suhrawardi, and Mulla Sadra

'Abdullah Salavati..... 14



﴿﴾ *He is the Wise, the Omniscient* ﴿﴾

History of Philosophy

Journal of the International Society of the History of Philosophy



Volume 4, Number 4, Issue 16, June 2014

Publisher: Sadra Islamic Philosophy Research Institute

Director: Professor Seyyed Mohammed Khamenei

Editor-in-chief: Dr. Hossein Kalbasi Ashtari

Administrative Manager: Mahdi Soltani Gazar

Editorial Board:

Prof. Karim Mojtahedi, *University of Tebran*

Prof. Fathullah Mojtabaei, *University of Tebran*

Prof. Reza Dawari Ardakani, *University of Tebran*

Prof. Nasrullah Hekmat, *Shahid Beheshti University*

Prof. Ahad Faramarz Qaramaleki, *University of Tebran*

Prof. Hamidreza Ayatollahy, *Allameh Tabatabaei University*

Prof. Hosein Kalbasi Ashtari, *Allameh Tabatabaei University*

Prof. Muhammed Taqi Rashed Mohassel, *University of Tebran*

Prof. Seyyed Mostafa Mohaqiq Damad, *Shahid Beheshti University*

Prof. Abdurrazzaq Hesamifar, *Imam Khomeini International University*

English Translator: *Dr. Roya Khoii*

English Editor: *Dr. Ali Naqi Baqershabii*

Persian Editor: *Fatemeh Mohammad*

Address: Building #12, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, Imam Khomeini Complex, Resalat Exp., Tehran, Iran.

P.O. Box: 15875, 6919

Telephone: (+98 21) 88153210, 88153594

Fax: (+98 21) 88493803

Email: SIPRIIn@mullasadra.org

www.mullasadra.org

ISSN: 2008-9589

According to certificate Number 3/18/54733 issued on July 10, 2013 by the Ministry of Science, Research and Technology, the Quarterly of *History of Philosophy* has a Scientific-research degree.

It is indexed in the following centers: Islamic World Science Citation Center (ISC), Philosopher's Index